



- ▣ **Theoretical framework for people's space rights, from the perspective of Islamic jurisprudence and law**
Hamidreza Arami / Mahdi Mahmudi

- ▣ **Embodiment of Contradiction and Unison of Imaginary Ideas in Two Adjacent Sacred Buildings (Grand Mosque & Shrine of Sheykh Abdul Samad in Natanz)**
Mahdi Hamzeh Nejad / Ali Akbari / Shabnam Ansari

- ▣ **Enlightenment of The Paradox of the Concept of Image from The View of Mystics and Urban Theorists**
Mozhgan Esmaeili / Behnam Pedram / Mohammad Hassan Talebian

- ▣ **Representation of Sustainable Archy Type in the Architecture of the Past and Present of the Iranian House (Kashan and Yazd Houses, Qajar and Contemporary Period)**
Azam Sadat Razavizadeh

- ▣ **Framework of Changing the Process of Shaping Large-Scale Projects to Positive Urban Catalyst in the Historical Context - Case Study: Old City of Najaf**
Hadi Pendar

- ▣ **Study of Morphology of Motifs and Geometric Proportions of the Altar's Form of Pirkakran Shrine in Isfahan**
Shadi Naghib Isfahani / Afsaneh Nazeri

- ▣ **Explaining the Function of Nature-Derived Patterns in Architecture in Responding to Human Needs in the Traditional and Contemporary Period**
Mahboobe Neghabi / Parisa Hashempour / Maziar Asefi / Abbass Ghaffari



لیست داوران این شماره:

دکتر آیدا آل هاشمی (دکتری دانشگاه بین المللی قزوین)
 دکتر آریتا بلالی اسکویی (دانشیار دانشگاه هنر تبریز)
 دکتر لیدا بلیان اصل (استادیار دانشگاه آزاد)
 دکتر بهاره تقوی نژاد (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)
 دکتر مهدی حمزه نژاد (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
 دکتر حسن سجاذزاده (دانشیار دانشگاه بوعلی همدان)
 دکتر محمد صالح شکوهی بیدهندی (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
 دکتر مهران علی الحسابی (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
 دکتر محمد رضا عطایی همدانی (استادیار دانشگاه آزاد)
 دکتر فروغ عمویان (استادیار دانشگاه مازندران)
 دکتر میترا غفوریان (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
 دکتر محمدباقر کبیرصابر (استادیار دانشگاه تهران)
 دکتر غلامرضا لطیفی (دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی)
 دکتر ابوالفضل مشکینی (دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)
 مهندس عبدالحمید نقره کار (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران)

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۳ / ۱۸ مورخ ۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سردبیر: دکتر محسن فیضی

مدیر داخلی: دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: امیرحسین یوسفی - زهراکاشانی دوست - فاطمه زارع

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی : دانشیار دانشگاه تهران
 دکتر حسن بلخاری: استاد دانشگاه تهران
 دکتر مصطفی بهزادفر : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر محمد رضا پور جعفر : استاد دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر مهدی حمزه نژاد : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر اسماعیل شیعه : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر منوچهر طیبیان : استاد دانشگاه تهران
 دکتر حمید ماجدی : استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر اصغر محمد مرادی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر غلامحسین معماریان : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
 مهندس عبدالحمید نقره کار : دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر محمد تقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر علی یاران: استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / **تلفن مستقیم:** ۰۲۱ - ۷۷۴۹۱۲۴۳

نشانی رایانه: jria@iust.ac.ir / **نشانی وب:** <http://iust.ac.ir/jria>



چارچوب نظری برای حقوق فضائی مردم، مبتنی بر آموزه های فقه و حقوق اسلامی



حمیدرضا آرامی*

دکتری معماری اسلامی از دانشگاه هنر اصفهان، مدرس دانشگاه قم

مهدی محمودی کامل‌آباد**

هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۳/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۹/۰۶

چکیده:

بهره‌برداری عادلانه از فضای شهری از جمله مسائل مستحدثه و نوپیدا در حوزه حقوق معماری و شهرسازی است که یکی از ساختارهای پرداختن به آن سنجش‌پذیر کردن حقوق مترتب بر آثار معماری است. یک اثر معماری، افزون بر مخاطبین خاص یا افرادی که درون آن زندگی می‌کنند؛ مخاطبین عامی (مردم شهر) که تحت تأثیر وجوه اجتماعی آن قرار می‌گیرند نیز دارد. وجود عنصر تأثیر در این رابطه (میان آثار معماری و مردم) حکایت از این می‌کند که خلق آثار معماری، نوعی رفتار اجتماعی تأثیرگذار محسوب می‌شود؛ رفتارهایی که اقتضای ذاتی آن‌ها به وجود آوردن انواع تلافی‌ها و تراحمات حقوقی برای افراد جامعه است. موضوعی که پژوهش حاضر حول محور آن قوام پیدا می‌کند؛ تبیین چارچوب نظری برای حقوق مردم نسبت به فضاهای مصنوع شهری (آثار معماری) است. تفحص در ادبیات مرتبط با این موضوع حاکی این نکته است که تبیین چارچوب مزبور، متقوم بر توصیف سه رکن اصلی شامل چرایی و چیستی، چگونگی استنباط و تعیین مصادیق برای این حقوق است؛ که پس از پرداختن به آن‌ها نتایج ذیل حاصل شد: حقوق فضایی مردم، امتیازات و خطوط قرمز تکلیف‌آور و واجد پشتوانه و ضمانتی هستند که مردم نسبت به فضاهای مصنوع شهری پیدا می‌کنند. استنباط این حقوق، مبتنی بر سه رکن منابع شرعی، اسناد حقوقی و ماهیت فضای شهری، انجام گرفت و پنج حق بنیادین شامل «حق معنویت فضایی»، «حق هویت فضایی»، «حق کیفیت فضایی»، «حق سلامت فضایی» و «حق عدالت فضایی» استخراج شد. البته این تفکیک به معنای جدایی یا تفوق یک حق بر حقوق دیگر نیست؛ بلکه ناظر به روش اجرا و نحوه تحقق‌پذیری این حقوق است. در اسناد قانونی رایج از برخی حقوق مزبور غفلت شده، امید است این سطور هموارکننده انجام مباحث نظری و به تبع آن اصلاح نظام تقنین در عرصه معماری و شهرسازی کشور باشد.

واژه های کلیدی: حقوق، مردم، چارچوب نظری، فضای مصنوع شهری.

۱. مقدمه

نظریه‌پردازی در مورد حقوق مردم نسبت به شهر، اگرچه ریشه تاریخی^۱ دارد؛ ولی مفهوم امروزی آن با عنوان «حق بر شهر»^۲ در اواسط قرن بیست متأثر از اندیشه‌های سوسیالیستی هانری لوفور^۳ آغاز شد؛ و تاکنون نیز عرصه نظریه‌پردازی میان اندیشمندان قرار دارد. از نتایج این رویکرد می‌توان به منشورها و اسناد متعددی^۴ اشاره کرد که در سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی تنظیم گردیده و در بعضی از کشورها مانند برزیل نیز به مرحله اجرا رسیده است.

هرچند حقوق مزبور در کشور ما از زمان طرح تاکنون به صورت پراکنده محل تحقیق قرار داشته^۵؛ لکن در سطح نظری به اندازه کافی مورد مذاقه و بررسی قرار نگرفته است. از این رو تلاش شد در این مقاله به این موضوع پرداخته شود.

البته گفتنی است تأثیر جهان‌بینی و فرهنگ بر شکل‌گیری مفاهیم و به تبع آن بر تجلی کالبدی آن‌ها، به‌ویژه در قلمروهایی که به صورت مستقیم با انسان سروکار دارد؛ امری انکارناپذیر است. در نتیجه برای شناخت و تبیین حقوق انسان‌ها، شناسایی جهان‌بینی جامعه‌ای که مطالعه در آن انجام می‌شود امری ضروری است (نقی‌زاده ۱۳۸۹، ۷۴). لذا تحقیق حاضر، اسلام را به‌عنوان مبنای تحقیق، معرفی می‌کند و تلاش می‌کند فرایند پژوهش را مطابق با اصول آن انجام دهد.

۲. مفاهیم اصلی

۱-۲. حق

«حَقُّ» در لغت به معانی راستی، عدالت، ثابت و یقین، شایستگی و سزاوار بودن، سلطنت، امتیاز، واجب‌الوجود، مطابق با واقع، یقین، عدل، ضد و خلاف باطل و نامی از اسامی خداوند متعال، استعمال می‌شود (حکمت‌نیا ۱۳۸۵، ۱۱۶؛ رضانی ۱۳۹۰، ۹۰)؛ و در معنای اصطلاحی حقوق نیز به معنی امتیاز یا نفعی است متعلق به اشخاص که حاکمیت و قانون، رعایت و احترام به آن راه، مورد حمایت قرار می‌دهد (کاتوزیان ۱۳۹۲، ۳۷۳-۳۷۲؛ موحد ۱۳۸۸، ۴۴).

۲-۲. فضای مصنوع شهری

فضا در این نوشتار به معنی فضای مستقل از زمین است که در بالا و محاذ بر زمین شهر قرار دارد. البته این فضا در حد عرفی مراد است؛ در همان حدی که در منظر عموم مردم شهری قرار می‌گیرد؛ نه فضای نزدیک به جو یا فراتر از جو زمین که در اسناد بین‌المللی آن را فرامیتی می‌دانند. مقصود از فضای مصنوع شهری نیز در این تحقیق، جمع میان معماری شهر و فضای محاذ بر زمین شهر است؛ یعنی آنچه دید و منظر افراد را تشکیل می‌دهد.

۲-۳. مردم (مخاطبین عام)

در یک دسته‌بندی عمده، برای آثار معماری دو دسته مخاطب می‌توان نام برد: الف) «مخاطبین خاص»، یا کسانی که در آن زندگی می‌کنند؛ ب) «مخاطبین عام یا مردم»، افرادی که از بیرون تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. مخاطبین عام خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: مخاطبین عام مستقیم (کسانی که به‌طور مستقیم در مواجهه با فضای مصنوع هستند مانند همسایگی یا محله)، و مخاطبین عام غیرمستقیم (کسانی که غیرمستقیم متأثر از فضای مصنوع هستند؛ به لحاظ مکانی مانند انسان‌های شهرهای دیگر، یا به لحاظ زمانی مانند نسل‌های بعدی^۶).

۳. چرایی و چیستی حقوق فضایی مردم

یک اثر معماری در مرحله خلق، معلول مؤلفه‌های متنوعی نظیر ویژگی‌های محیطی، هنجارهای عرفی، قوانین، کارفرماها، طراحان، برنامه‌ریزان شهری و... است. هرچند وزن تأثیر مؤلفه‌های فوق بسته به شرایط متفاوت است؛ ولی هر کدام به نسبتی در این خلق حضور دارند. بر این اساس، می‌توان اقرار کرد معماری شهر، نوعی محصول اجتماعی است؛ محصولی که جامعه آن را شکل می‌دهد و پس از شکل‌گیری متأثر از آن، در آن رشد و نمو پیدا می‌کند (داداش‌پور و عزیززاده ۱۳۹۳، ۱۱۵-۱۰۲). وجود عنصر تأثیر در این رابطه - رابطه میان معماری شهر و افراد جامعه - حکایت از این می‌کند که خلق فضای مصنوع در شهر نوعی رفتار اجتماعی^۸ محسوب می‌شود؛ رفتاری که به عقیده متخصصان این حوزه تأثیرگذار بر



باشند. به تعبیر دیگر امتیاز ویژه‌ای که به صورت تکوینی و ذاتی برای یک موجود ثابت نیست؛ برای آن موجود در نظر گرفته شود (نبویان ۱۳۹۲، ۲۶۴). به طور مثال در قوانین قرارداد می‌شود این ملک تا فلان ارتفاع حق ساخت‌وساز دارد.

۳-۲. منابع حقوق فضایی (منشأ و خاستگاه)

الف) منابع عام حقوق فضایی

بدیهی‌ترین مفهومی که از حقوق به ذهن متبادر می‌شود؛ این است که حق‌هایی وجود دارند که تکالیف در برابر آن‌ها الزامی است. لکن، این پرسش بنیادین به وجود می‌آید که «منشأ و خاستگاه این نیروی الزام‌آور از کجاست؟». این پرسش ناظر به منشأ و منابع حقوق و از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل فلسفه حقوق است؛ در واقع خمیرمایه همه اندیشه‌های حقوقی محسوب می‌شود (کاتوزیان ۱۳۸۵، ج ۱، ۳۹-۴۰). در اینجا قبل از ورود به بحث لازم است اشاره شود که منابع، مبانی و فروع با یکدیگر متفاوت‌اند. فروع برگرفته از مبانی است و مبانی از منابع اخذ می‌شوند. فروع به موارد جزئی، تبصره‌ها و مانند آن گفته می‌شود و مبانی به دلایل و براهین فروع می‌پردازند. نکته اینجاست که مبانی، دلایل و استنباط افراد است که ماهیت فاعلی دارد؛ زیرا به باورها و روش فهم افراد بستگی دارد؛ ولی منابع ماهیت مفعولی دارد و بسته به فهم افراد نیست. نظام‌های حقوقی مختلف با ابتدا بر نظام هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خود، منابع دستیابی به قواعد بنیادین خود را مشخص می‌کنند. به طور مثال در رویکردهای تجربی و پوزیتیویستی، عقل مهم‌ترین منبع حقوق شمرده می‌شود. ولی در نظام حقوقی اسلام اراده شارع منبع اصلی اعتبار حقوق محسوب می‌شود (حکمت‌نیا ۱۳۹۰، ۱۱۷). علم اصول فقه که عهده‌دار منابع معرفتی شرع در فقه شیعه است؛ این منابع را به دو دسته منابع بنیادی (اصلی) و منابع فرعی، تفکیک می‌کند. منابع اصلی شامل، «قرآن»، «سنت ائمه»، «عقل» و «اجماع کاشف از نقل» است؛ و منابع فرعی به پنج بخش «قانون»، «عرف»، «رویه قضایی»، «دکترین حقوق» و «اصول کلی حقوق» تقسیم می‌شوند (جوادی آملی ۱۳۸۴، ۱۴۵؛ مصباح یزدی ۱۳۹۳، ۶۱-۶۰).

ابعاد روحی و جسمی افراد خواهد بود (راپاپورت ۱۳۸۸؛ لنگ ۱۳۸۸؛ سامه ۱۳۹۴). افراد جامعه بخش قابل توجهی از زندگی خود را در مواجهه با معماری شهری سپری می‌کنند. لذا می‌توان اقرار کرد حقوق آن‌ها بعد فضایی و کالبدی دارد. مقصود از چپستی در این بخش مشخص کردن «مفهوم»، «منابع» و «مبانی و اهداف» حقوق فضایی مردم است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱. مفهوم حقوق فضایی مردم

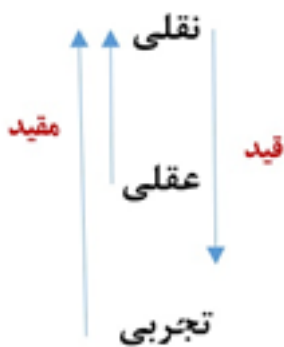
حقوق فضایی به لحاظ مفهوم در این تحقیق به معنی امتیازات و خطوط قرمز تکلیف‌آور و واجد پشتوانه و ضمانتی (حقوقی و اخلاقی) هستند که مردم نسبت به فضای شهری، اعم از فضای عمومی شهر و آثار معماری دارند؛ و از آنجاکه که هر جا حق برای فرد یا گروهی مسجل شد؛ قطعاً تکلیفی برای دیگران در برابر آن حق وجود خواهد داشت، (جوادی آملی ۱۳۸۴، ۴۱؛ مصباح یزدی ۱۳۹۳، ۳۳) دیگران، اعم از دولت‌ها، برنامه‌ریزان شهری و معماران موظف به احترام و رعایت آن‌ها هستند.

در اندیشه اسلامی حقوق افراد به دو قسمت عمده حقوق تکوینی و حقوق اعتباری قابل تقسیم است. حقوق تکوینی با حقوق طبیعی، ذاتی و فطری مترادف است و منظور از آن حقوقی است که از طرف هیچ‌یک از اشخاصی که می‌توانند جاعل حقوق باشند -مانند خداوند و حکومت‌ها- تنظیم نشده باشد؛ بلکه این حقوق اقتضای ذاتی و فطری افراد است؛ به گونه‌ای که عقل انسان درک می‌کند افراد باید این حق ویژه را داشته باشند. به طور مثال، انسان حق دیدن و شنیدن دارد؛ زیرا قوه بینایی و شنوایی، با توجه به هدفمندی جهان آفرینش، به او اختصاص داده شده است (نبویان ۱۳۹۲، ۴۱). انسان‌ها، از بدو تولد تا پایان زندگی از حقوق تکوینی برخوردارند؛ بدین معنا که این حقوق، حق‌های ثابت و غیرقابل تصرف است و نمی‌توان آن‌ها را از کسی گرفت و یا او را از آن محروم کرد؛ حتی اگر این حقوق، در قوانین رسمی کشورها هنوز به رسمیت شناخته نشده باشند (محسنی ۱۳۹۶، ۴۴۳). مراد از حقوق اعتباری، آن دسته حقوقی است که قراردادی باشد. یا از طرف خداوند تشریح شده باشد یا انسان‌ها قانون وضع کرده

ناظر به روش فهم هر کدام است. از منظر اسلام به‌عکس بسیاری از مکاتب، سه منبع مزبور در عرض هم و هم‌تراز باهم محسوب نمی‌شوند؛ بلکه در یک رابطه طولی و یک نظام سلسله‌مراتبی باهم ارتباط پیدا می‌کنند.

هرچند هر کدام از این منابع، در کسب معرفت و تولید دانش، مقتضی روش و قواعد خاص خود است، ولی علی‌رغم تفاوت در روش‌ها، نقاط اصطکاک و تماس بین آن‌ها نیز وجود دارد. در نگاه منظومه‌ای یا شبکه‌ای، هر معرفتی به معرفت دیگر قید می‌خورد. معارف نقلی به معارف عقلی و تجربی قید می‌خورد و معارف عقلی و تجربی مُقید معارف نقلی تولید می‌شوند (همان ۱۳۹۴). این بدین معنی است که در منظومه معرفتی اسلامی، از طرفی علوم تجربی و علوم عقلی مُقید به پیش‌فرض‌های نقلی - قرآن و روایات - تولید و ساخته و پرداخته می‌شوند؛ و از طرفی دیگر معارف نقلی، افزون بر ساحت بنیادی و مبنایی، وجوه کاربردی‌شان نیز احراز شود. البته به این معنی نیست که معارف نقلی در قید معارف عقلی و تجربی فهم شود. بلکه مقصود نوعی تبدیل است. به این معنا که یافته‌های نقلی در ساحت مبنایی خود باقی نماند؛ بلکه جلوه‌های کارآمدی‌شان نیز در ساحت واقع و عمل مکشوف شود.

با این تفاسیر در جواب پاسخ به دو سؤال مزبور می‌توان اقرار کرد در اندیشه اسلامی، اولاً سه منبع فوق با رابطه قید و مقید باهم ارتباط پیدا می‌کنند؛ و ثانیاً هر سه منبع با حفظ روابط سلسله‌مراتب طولی می‌توانند منشأ حقوق فضایی باشند.



تصویر ۱. عنوان و توضیح تصویر

ب) منابع خاص حقوق فضایی

در اینجا، حقوق فضایی مردم، در بستر اسلام مطرح است. این بدین معنا است که خرده نظامی (حقوق معماری و شهرسازی) ذیل نظام کلان حقوقی اسلام، روش‌های تحلیل و فهم خود را تنظیم می‌کند. براین اساس منابع عام نظام حقوقی اسلام - که در فوق به آن‌ها اشاره شد - جزو منابع عام حقوق فضایی معرفی می‌شوند؛ و فهم کارشناسی و تخصصی معماری و شهرسازی به‌عنوان منابع خاص در نظر گرفته می‌شود. لکن دو پرسش مبنایی در اینجا مطرح می‌شود. اولاً: مجموع منابع فوق که هم «نقلی» و «عقلی» است و هم «تجربی» چگونه و با چه مکانیسمی باهم ارتباط پیدا می‌کنند؟ ثانیاً: آیا حقوق انسان صرفاً از منابع نقلی (قرآن و روایات) استخراج می‌شوند؛ یا منابع عقلی و تجربی (در اینجا دانش معماری و شهرسازی) نیز می‌توانند منابعی برای استنباط حقوق انسان‌ها باشند؟ در مقام پاسخ به سؤالات فوق، اجمال آنچه از مرور ادبیات مربوط به موضوع حاصل شد؛ ارائه می‌گردد.

آنچه از منابع حاصل می‌شود تأکید شرع بر منظومه معرفتی است. به‌گونه‌ای که هر سه منبع نقلی، عقلی و تجربی، با حفظ سلسله‌مراتب طولی برای فهم و شناخت امور معتبر محسوب می‌شوند (میرباقری ۱۳۹۴). توضیح اینکه، به‌نوعی تمام دانش بشری را می‌توان در سه دسته دانش نقلی، عقلی و تجربی طبقه‌بندی کرد. منظور از دانش نقلی فهم از متون معتبر رسیده از وحی است که در اینجا قرآن و روایات معصومین (ع) مراد است؛ که حوزه‌های دانشی فقه و اصول عهده‌دار این سنخ از علوم هستند؛ و منظور از دانش عقلی در واقع همان علمی است که مبتنی بر استدلال‌های عقلی و منطقی به تولید دانش می‌پردازد؛ حوزه‌هایی نظیر فلسفه و بخش زیادی از علوم انسانی را برای این نوع دانش می‌توان مثال زد. مراد از علوم تجربی نیز، آن دسته علمی هستند که یافته‌های خود را بر اساس مشاهدات تجربی را فهم می‌کنند. علمی نظیر فیزیک، شیمی و ریاضیات را برای این دسته می‌توان مثال زد. البته این به این معنا نیست که این سه سنخ از علوم به‌صورت منفک و بی‌نیاز از هم به تولید دانش می‌پردازند؛ بلکه این طبقه‌بندی

۳-۳. مبانی و اهداف حقوق فضایی

چنانکه اشاره شد مبانی حقوق متفرع بر منابع حقوق است؛ لذا اختلاف در مبانی، ناشی از اختلاف در منابع است. از این رو به ندرت اتفاق می‌افتد که در صورت اختلاف در منابع، در مبانی وحدت نظر حاصل شود (جوادی آملی ۱۳۸۴، ۶۱). «برقراری عدالت»، «ایجاد نظم اجتماعی»، «استقرار امنیت»، «تأمین آسایش و رفاه» و «پیشرفت فرهنگی» مهم‌ترین مبانی است (مصباح یزدی ۱۳۹۳، ۶۵) که مکاتب فکری مختلف بسته به منابع خود، تفسیرهای مختلفی از آن‌ها ارائه داده‌اند. ولی مسئله اساسی، چگونگی نسبت دادن و تطبیق مفاهیم مجرد و کلی فوق با حقایق خارجی (جهان بینی) است. به همین جهت باید پذیرفت که شناخت مبانی حقوق جز با تشخیص اهداف آن امکان ندارد (کاتوزیان ۱۳۸۳، ۳۵). در نظام‌های حقوقی رایج عرفی، عدالت ارزش نخستین (کاتوزیان ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۳۶) و هدف غایی حقوق (همان ص ۵۱۳) محسوب می‌شود؛ لکن در تفکر اسلامی عبودیت انسان در برابر خداوند و اطاعت از دستورات او - که طبعاً در بردارنده قواعد حقوقی عادلانه نیز هست - غایت نخستین حقوق به شمار می‌آید. از منظر اسلام دستیابی به عدالت هدف میانه‌ای محسوب می‌شود که در پرتو هدف غایی قرب انسان به خداوند مفهوم و مصداق واقعی خود را پیدا می‌کند؛ زیرا عبادت خداوند که تأمین‌کننده قرب انسان به خداوند است؛ در واقع هدف اصلی آفرینش انسان و در نتیجه هدف عالی حقوق محسوب می‌شود (دانش پژوه ۱۳۸۶، ۲۲). با توجه به این توضیحات، اهداف حقوق در نظام معرفتی اسلامی دارای مراتبی است که می‌توان آن را به سه مرتبه تقسیم کرد. اهداف ابتدایی شامل نظم، امنیت عادی، رعایت حقوق دیگران به وسیله ترس از تنبیه. اهداف میانی شامل عدل، امنیت معقول، رعایت حقوق دیگران به استناد فضیلت، و اهداف کلان شامل نیل روح به تکامل و تقرب به مقام حقیقت (جوادی آملی ۱۳۸۴، ۲۳۰). نتیجه اینکه در اندیشه اسلامی، مبانی و اهداف کلان حقوق فضایی، افزون بر اقامه نظم، عدالت و رفاه، نقش مدیریت و تحول جامعه به سمت رشد و کمال افراد در مسیر قرب به خداوند را نیز به

عهده دارد.

۴. چگونگی استنباط حقوق فضایی

مقصود از استنباط در اینجا به معنی فهم حق از منابع مشخص است. این مرحله قبل از فرایند تقنین محسوب می‌شود و اصطلاحاً به آن مرحله ثبوت حق گویند. در اینجا برای استنباط حقوق فضایی مردم از سه مرحله در طول هم استفاده شد. «الف» بررسی حقوق عام مردم از منظر منابع شرعی. «ب» احصاء حقوق عام مردم در اسناد حقوقی. «ج» تحلیل ماهیت فضای مصنوع شهری، به منظور استخراج حقوق مترتب بر آن. در ذیل تلاش می‌شود به حاصل این موارد اشاره شود.

۴-۱. حقوق انسان در منابع شرعی

در تفکر اسلامی، تعریف انسان و حقوق وی محدود و منحصر به فرایند زمانی تولد تا مرگ وی نیست. بلکه این فرایند از مشارطه و تعهدات قبل از تولد (عالم ذر) تا محاسبه و میزان بعد از مرگ تبیین و تعریف می‌شود. در این اندیشه، ریشه و منشأ هر حقی که در عالم وجود دارد، حق خداوند معرفی می‌شود. در این مورد امام سجاد(ع) در مقدمه رساله حقوقی خود می‌فرمایند: «بزرگ‌ترین حقوق خداوند بر تو حقی است که آن ذات مقدس به عنوان حق خود رعایت آن را بر تو واجب نموده است. حقی که اصل تمام حقوق است و حقوق دیگر از آن منتشر و متفرع می‌شود. تا جایی که حق خودت بر خودت نیز در درجه دوم قرار می‌گیرد؛ این حقوق از فرق سر تا کف پای ترا شامل می‌شود». این بدین معنی است که اساساً تمام حقوق متفرع و منشعب از حق الله هويت پیدا می‌کنند؛ بنابراین اگر حق الله رعایت شد؛ بقیه حقوق نیز مراعات می‌شود. حال در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که رعایت حق الله چگونه محقق می‌شود؟

امیر مؤمنان علی(ع) در مورد چگونگی رعایت حق الله در نهج البلاغه توصیف بسیار راهگشایی دارند، ایشان می‌فرمایند: «و لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ» لکن خداوند متعال حق خود را بر بندگان اطاعت خویش قرارداد (نهج البلاغه خطبه ۲۱۶). از منظر امام علی، حق الله، در واقع همان اطاعت، بندگی و عبادت خداوند متعال توسط بندگان است. در مورد عبادت و بندگی خداوند در منابع دینی، انبوهی



۴-۲. حقوق عام مردم در اسناد حقوقی

مقصود از اسناد حقوقی در اینجا، اسناد و قوانینی است که با ادعای پذیرش اسلام تبیین و تنظیم شده و به لحاظ اجرایی در حال حاضر معتبر محسوب می‌شوند. آنچه در شرایط کنونی با این مشخصات در دسترس است چهار سند شامل حقوق بشر اسلامی، قانون اساسی، قانون مدنی و منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران است. مفاد اسناد مزبور مورد بررسی قرار گرفت، تعداد مواردی که به‌طور مستقیم به حقوق افراد اشاره کرده، پس از حذف موارد تکراری^۱، به بیست و شش مورد می‌رسد (جدول ۱). البته در اینجا سلسله‌مراتب و اولویت‌بندی در حقوق افراد مطرح نیست، بلکه هدف صرفاً استخراج حقوقی است که به‌طور مستقیم به حقوق عام افراد مربوط است و به رسمیت شناخته شده است.

جدول ۱. (مأخذ ترسیم: نگارندگان)

ق: قانون اساسی، ح ب: حقوق بشر اسلامی، ح ش: حقوق شهروندی

حقوق عام مخاطبین عام در اسناد حقوقی	
ردیف	حقوق عام
۱	حقوق کرامت «اصل ۲ ق: ماده ۷ ح ب؛ ماده ۲ ح ش»
۲	حقوق حیات «اصل ۲۲ ق: ماده ۷ ح ب؛ ماده ۱ ح ش»
۳	حقوق آزادی «اصل ۳ ق: بند ۱؛ ماده ۲۰ ح ب؛ ماده ۱۲ ح ش»
۴	حقوق عدالت و برابری «اصل ۱۹ ق: ماده ۱۹ ح ب؛ ماده ۵۶ ح ش»
۵	محیط مساعد برای رشد فضایل پراساس ایمان «اصل ۳ ق: بند ۱؛ ماده ۱۷ ح ب؛ ماده ۶ ح ش»
۶	حقوق سلامت و کیفیت زندگی «اصل ۳ ق: بند ۱؛ ماده ۷ ح ش»
۷	حقوق حریم خصوصی خانواده «اصل ۱۰ ق: ماده ۱۸ ح ب؛ ماده ۱۶ ح ش»
۸	حقوق تأمین نیازهای انسانی «اصل ۳۳ ق: بند ۱؛ ماده ۸۶ ح ش»
۹	حقوق تجمع و راهپیمایی «اصل ۱۷ ق: ماده ۳۳ ح ش»
۱۰	حقوق اقتصاد سالم «اصل ۴۳؛ ماده ۱۴ ح ب؛ ماده ۶۸ ح ش»
۱۱	حقوق داشتن مسکن مناسب «اصل ۳۱ ق: ماده ۱۷ ح ب؛ ماده ۷۲ ح ش»
۱۲	حقوق آکویست سالم «اصل ۵۰ ق: ماده ۱۱۲ ح ب؛ ماده ۱۷ ح ش»
۱۳	مشارکت در تعیین سرنوشت «اصل ۵۶ ق: بند ۷؛ ماده ۲۳ ح ب؛ ماده ۱۵ ح ش»
۱۴	حقوق مالکیت «اصل ۳۷ ق: ماده ۱۵ ح ب؛ ماده ۷۵ ح ش»
۱۵	تسهیل در تشکیل خانواده «اصل ۱۰ ق: ماده ۵ ح ب؛ ماده ۵۱ ح ش»
۱۶	حقوق رفاه و تأمین اجتماعی «اصل ۴۳ ق: بند ۱؛ ماده ۸۰ ح ش»
۱۷	داشتن نظام اداری سالم «اصل ۳ ق: بند ۱؛ ماده ۱۰ ح ب؛ ماده ۱۹ ح ش»
۱۸	حقوق آموزش و پرورش «اصل ۳ ق: بند ۳؛ ماده ۹ ح ب؛ ماده ۱۰۴ ح ش»
۱۹	مصونیت از انحصار طلبی «اصل ۳ ق: بند ۶؛ ماده ۳۰ ح ش»
۲۰	حقوق اشتغال و کار شایسته «اصل ۲۸ ق: ماده ۱۳ ح ب؛ ماده ۷۷ ح ش»
۲۱	حقوق انتخاب مکان اقامت «اصل ۴۳ ق: بند ۱؛ ماده ۸۰ ح ش»
۲۲	حقوق مصونیت از جنگ «ماده ۳ ح ب؛ ماده ۱۱۶ ح ش»
۲۳	حقوق مصونیت از بردگی «اصل ۳ ق: بند ۱؛ ماده ۱۱ ح ش»
۲۴	برابری زنان در برابر قانون «اصل ۲۱ ق: ماده ۶ ح ب؛ ماده ۸۳ ح ش»
۲۵	حمایت قانون از کودکان «ماده ۷ ح ب؛ ماده ۴ ح ش»
۲۶	حقوق مالکیت فکری «اصل ۴۶ ق: ماده ۱۶ ح ب؛ ماده ۷۶ ح ش»

از تأکیدات و توصیفات وجود دارد. تا جائی که عبادت به‌عنوان هدف آفرینش انسان معرفی شده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۹. لکن با ملاحظه دیگر آیات، به‌خوبی روشن می‌شود که عبادت هدف نیست؛ بلکه وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدفی برتر است. از این‌رو برخی از مفسران عبادت را ابزاری برای رشد و تقرب معرفی کرده‌اند (سلیمانی و شجاعی ۱۳۹۲، ۲۵). خداوند متعال ظرفیت و استعداد طی کردن مسیر رشد را در وجود انسان قرار داده است؛ این ظرفیت فطری مبدأ و منشأ پیدایش حق است و یک سند طبیعی برای آن بشمار می‌آید (شهید مطهری ۱۳۸۷، ۱۵۸). در اندیشه اسلامی اصیل‌ترین حق انسان‌ها، حق رشد و کمال آن‌ها محسوب می‌شود. لکن بقیه حقوق نظیر حق حیات، حق مسکن، حق غذا و... برای همین است تا ما زنده باشیم و طی کردن مسیر رشد و کمال برای ما تسهیل شود (مصباح یزدی ۱۳۸۰، ۱۰۴). در این تفکر، محقق شدن این حق بنیادین، مستقل از رشد و کمال بقیه انسان‌ها و حتی مستقل از رشد و کمال دیگر موجودات عالم نیست. بلکه در یک نظامی به‌هم‌پیوسته و منسجم همراه با دیگر مخلوقات مسیر رشد و کمال خود را طی می‌کنند. به همین جهت تصریح شده اگر دیگری به حقتش رسید من نیز به حق خود می‌رسم. در اسلام، حقوق و تکالیف انسان‌ها افزون بر ساحت فردی، واجد وجوه جمعی نیز هست؛ از این‌رو برای انسان ابعاد مختلفی نظیر هویت اجتماعی، هویت ملی و هویت تمدنی، مطرح شده است. در تفکر شیعه، هویت تمدنی، متعالی‌ترین سطح از زندگی اجتماعی انسان به‌شمار می‌آید که این تمدن در نسبت با مهدویت و تحقق تمدن الهی موعود قوام پیدا می‌کند (کاظمی و مظاهری ۱۳۹۵، ۶۳).

هویت تمدنی در واقع از جنس شناخت، آگاهی و معرفت به خویشتن است، با این تفاوت که در دیدگاه تشیع، این آگاهی در یک علم حضوری ریشه دارد؛ و در ارتباط مستقیم با مسئله فطرت تعریف می‌گردد و از آنجا که ظرفیت‌ها و استعدادها فطری انسان‌ها، مبدأ و منشأ پیدایش حق برای اوست؛ و یک سند طبیعی برای انسان بشمار می‌آید (شهید مطهری ۱۳۸۷، ۱۵۸؛ مصباح یزدی ۱۳۸۱، ۱۰۴) هویت تمدنی نیز از زمره حقوق انسان بشمار می‌آید.





تصویر ۲. اقسام فضای شهری، بر مبنای فقه‌های متقدم (مأخذ ترسیم: نگارندگان)

۳-۴. تجزیه و تحلیل ماهیت فضای مصنوع شهری

به‌منظور تبیین حقوق مترتب بر آن

پرداختن به ماهیت فضای مصنوع از این حیث اهمیت دارد که احکام و قواعد فقهی حقوقی مربوط به آن مشخص می‌شود؛ و به تبع نوع حقوق مردم نسبت به فضای شهری به احکام مستند می‌شود. مقصود از ماهیت در اینجا روشن شدن سؤالات زیر است: فضای محاذ بر زمین شهر از چه اقسامی تشکیل می‌شود؟ و مالکیت این فضاها چگونه است؟

۳-۴-۱. اقسام و مالکیت فضای محاذ بر زمین شهر

در گذشته مسئله بهره‌برداری عادلانه از فضای شهر به پیچیدگی امروز نبود؛ لذا احکام فقهی حقوقی مرتبط با این موضوع، متناسب با اقتضائات همان زمان تدوین می‌شد. از نظر فقه‌های متقدم^{۱۱}، فضای محاذی زمین تابع عرصه زمین محسوب می‌شد و این فضا تا عنان آسمان در ملکیت مالک زمین تحت آن قرار می‌گرفت (نجفی‌راد ۱۳۹۷، ۸۵-۸۰). قانون مدنی ایران نیز که نوعاً بر پایه نظرات مشهور فقها بنا شده است در این مورد با فقه‌های متقدم هم‌رأی و موافق است. در ماده ۳۸ قانون مدنی آورده شده: «مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای محاذی آن است تا هر کجا که بالا رود». لکن امروزه با توجه به تغییرات زیادی که در الگوی ساخت‌وساز و توسعه عمودی شهرها (مرتفع‌سازی) به وجود آمده؛ فضای شهر به محل تعارضات و تزاوجات حقوق فردی و جمعی افراد تبدیل شده است. لذا به‌زعم بعضی از فقه‌های معاصر، دیدگاه فوق (تبعیت مطلق فضا از زمین) امروزه کارآمدی ندارد. به‌طور مثال، مرحوم نائینی تصریح می‌کند: «اینکه گفته شده هر کس زمینی را مالک شد از اعماق آن تا عنان آسمان را هم مالک است، نه دلیلی بر آن اقامه شده و نه عرف آن را می‌پذیرد؛ هرچند ادعای اجماع در این مورد وجود دارد ولی ظاهراً اثبات نشده است»^{۱۲}

مرحوم امام نیز در پاسخ به نامه شورای نگهبان مورخ، ۱۳۶۶/۸/۲، به‌صراحت مالکیت فضای محاذ بر ملک خصوصی را در حد متعارف متعلق به مالک می‌داند و فراتر از آن را در قلمرو مالکیت مالک زمین نمی‌داند^{۱۳}. سید ابوالقاسم خوئی^{۱۴}، سید عبدالعلی سبزواری^{۱۵}، سید محمود شاهرودی^{۱۶}، نیز از جمله فقه‌هایی هستند که با نظر مشابه، به‌عکس نظریه متقدمین، اعتقاد به محدودیت مالکیت فضای محاذ بر زمین تا حد متعارف ارتفاع دارند (همان، -۱۲۰-۱۱۳). گفتنی است این نوع نگرش در نظام‌های حقوقی دیگر کشورها نیز به‌چشم می‌خورد. به‌طور مثال در ماده ۵۵۲ قانون مدنی فرانسه، ماده ۹۰۵ قانون مدنی آلمان، ماده ۸۰۳ قانون مدنی مصر نیز، ارتفاع فضای محاذ بر زمین تا حدی در اختیار مالک دانسته شده است که برای او عادتاً (عرفاً) مفید باشد (صالحی مازندرانی و میرزایی ۱۳۹۴، ۱۱۵).

مطابق با آنچه از منظر فقه‌های معاصر گذشت؛ فضای محاذ بر زمین شهر را به لحاظ مالکیت زمین تحتانی آن، به سه بخش عمده می‌توان تقسیم کرد: ۱. فضای محاذ بر معابر، میادین و مکان‌های عمومی؛ ۲. فضای محاذ بر املاک خصوصی، در حد متعارف ارتفاع؛ ۳. فضای محاذ بر املاک خصوصی، فراتر از حد متعارف ارتفاع (تصویر ۱).

در مورد مالکیت سنخ اول و دوم فضاهای فوق، با توجه به تصریحات مبسوطی که ذیل قاعده تسلیط در منابع فقهی و حقوقی وجود دارد، تردیدی نیست که سنخ اول متعلق به عموم جامعه (مردم) و سنخ دوم در مالکیت خصوصی است و مردم نسبت به آن حق ارتفاق^{۱۷} دارند (آرامی و حکمت‌نیا ۱۳۹۸). لکن مالکیت، سنخ سوم -فضای فراتر از حد متعارف، محاذ



۴-۳-۳. مالکیت فضای فراتر از حد متعارف ارتفاع، محاذ بر املاک خصوصی

اصطلاح مالکیت به معنای رابطه‌ای است میان مالک و مملوک به‌گونه‌ای که در آن حقوق استفاده از منافع مالک به رسمیت شناخته شده باشد (فهیمی ۱۳۹۶، ۱۰۶). در یک تقسیم‌بندی کلی، اموال یا متعلق به افراد خصوصی هستند که به آن‌ها «مالکیت خصوصی» گفته می‌شود و یا متعلق به عموم مردم و جامعه می‌باشد که به آن‌ها «مالکیت عمومی» گفته می‌شود (هاشمی و تقی‌زاده ۱۳۹۱، ۹۲). چنانچه گذشت با توجه به تصریحاتی که در احکام فقهی حقوقی وجود داشت، فضای فراتر از حد متعارف ارتفاع، محاذ بر املاک خصوصی، متعلق به مالک زمین تحتانی آن فضا نیست؛ لذا طبیعتاً در زمره اموال عمومی محسوب می‌شود.

اموال عمومی، در منابع فقهی حقوقی، نوعی مفهوم عام محسوب می‌شود که با مصادیقی چون انفال، مباحات و یا مشترکات عمومی، ماهیت آن مشخص می‌شود (کاتوزیان ۱۳۹۲، ۶۸). مصادیق فوق علی‌رغم داشتن اشتراکات، تفاوت‌هایی نیز دارند؛ و طبیعتاً هر کدام مقتضی احکام و قواعد خاص خود خواهد بود. لذا در اینجا این سؤال مطرح می‌شود؛ حال که فضای مزبور، در زمره اموال خصوصی محسوب نمی‌شود؛ مصداق کدام‌یک از انواع مالکیت‌های عمومی است؟ در ادامه پس از بررسی اصطلاحات سه‌گانه فوق در مقام پاسخ قرار می‌گیرند.

الف) انفال: واژه انفال جمع «نفل»؛ و به معانی چون زیاده، زائد بر اصل، غنیمت، اضافه بر استحقاق، عطا و بخشش، استعمال می‌شود (المحیط ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۰، ۳۲۳). آنچه قدر مشترک میان معانی فوق است؛ نفل، هر شیء زائد بر اصل و زیاده بر استحقاق و فزونی را گویند (حبیبی و نجارزاده ۱۳۸۸، ۵۶). علامه طباطبائی می‌فرماید: انفال، زیادی هر چیزی است؛ به همین جهت نمازهای مستحبی را نافله می‌گویند چون زیاده بر فریضه است. ایشان مواردی همچون خرابه‌های متروک، آبادی‌هایی که اهالی‌اش هلاک گردیده‌اند؛ ماترک کسی که وارث ندارد و اموالی که مالکی از مردم برای آن شناخته نشده باشد را

بر املاک خصوصی - محل بحث است؛ که در ادامه پس از توضیحاتی در مورد مفهوم، «حد متعارف ارتفاع»، به آن پرداخته می‌شود.

۴-۳-۲. حد متعارف ارتفاع

در تاریخ ۶۹/۱۰/۲۴ قانونی توسط شورای عالی شهرسازی به‌عنوان بالاترین مقام تقنین در معماری و شهرسازی تصویب شد که به‌موجب آن شهرداری‌ها اجازه فروش تراکم را پیدا کردند. این قانون که تأثیرات زیادی در شکل‌گیری شهرها گذاشت، تلویحاً حد متعارف ارتفاعی را تثبیت می‌کند که ذیل آن حد را، متعلق به مالک زمین و فراتر از آن را خارج از مالکیت وی محسوب می‌کند و طبیعتاً مالک در حد ارتفاع قانونی خود حق ساخت‌وساز دارد؛ اما اگر مالک زمین قصد ساخت‌وساز، فراتر از آن حد ارتفاعی که خارج از مالکیت وی محسوب می‌شود را داشته باشد؛ باید آن فضا را در قالب خرید تراکم، از شهرداری خریداری کند. منظور از این حد ارتفاع که در ادبیات متداول شهرسازی اصطلاحاً تراکم ساختمانی نام دارد؛ نسبت بین سطح زیربنای ساختمان به مساحت قطعه زمین است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون اقلیم منطقه، عرض تریفیکی معابر، امکانات شهری، ساختار جمعیتی و مواردی از این دست محاسبه می‌شود. شورای عالی معماری و شهرسازی، تراکم ساختمانی پایه را در تهران و بقیه شهرستان‌هایی که بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داشته باشند؛ به میزان ۱۲۰ درصد کل مساحت زمین، به شرط ۶۰ درصد سطح اشغال، اعلام می‌کند. این بدین معنی است که ارتفاع دوطبقه روی طبقه همکف (سه طبقه از کف زمین و ارتفاع حدود ۱۰ متر) در مناطق عمومی شهر^{۱۸}، فضای اختصاصی مالک محسوب می‌شود.

در این تحقیق مسامحتاً مراد از حد متعارف ارتفاع همین ارتفاع حدود ده متر است که از نظر قوانین حد ارتفاعی مالکیت فضای محاذ بر املاک خصوصی در شهر را به نحوی مشخص می‌کند که ذیل این مرز، در مالکیت و تسلط مالک زمین است؛ آن‌طور که قانون اجازه دهد از آن فضا بهره‌مند شود؛ و فراتر از آن حدومرز، خارج از مالکیت وی محسوب می‌شود.





تصرف مستمر خود آن‌ها را تملک کنند (کاتوزیان ۱۳۹۲، ۶۹؛ کرمی ۱۳۹۷، ۳۴).

ج) مباحات: مباح در لغت به معنای مجاز و حلال است (هاشمی و تقی‌زاده ۱۳۹۱، ۱۰۱). قانون مدنی ایران در ماده ۲۷ مباحات را اموالی معرفی می‌کند که ملک اشخاص نمی‌باشد و عموم مردم می‌توانند آن‌ها را مطابق قانون تملک کرده و یا از آن‌ها استفاده کنند؛ مانند اراضی موات، یعنی زمین‌هایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آن‌ها نباشد. همچنین در ماده ۹۲ آورده شده: هرکس می‌تواند با رعایت قوانین و نظامات راجعه به هر یک از مباحات، از آن‌ها استفاده نماید. تعاریف فوق روشن است و از مفاد آن دو رکن اصلی استخراج می‌شود: قابل تملک بودن مباحات؛ و امکان انتفاع از آن‌ها بر طبق قانون (کاتوزیان ۱۳۹۲، ۷۴).

۴-۳-۴. نوع مالکیت فضای فراتر از حد متعارف

محاذ بر املاک خصوصی

در اینجا این سؤال مطرح است که فضای محاذ بر املاک خصوصی، فراتر از حد متعارف ارتفاع، مصداق کدامیک از انواع مالکیت‌های عمومی است؟ آیا جزو انفال محسوب می‌شود و به تبع احکام انفال، تحت مالکیت دولت است و قابلیت نقل و انتقال به مالکیت خصوصی^{۳۳} بنا بر مصلحت دولت را دارد؟ یا در زمره مشترکات عمومی و در مالکیت مشاع عموم مردم قرار دارد؛ و ذاتاً غیرقابل تملک خصوصی است؟ (دولت تنها حق نظارت و مدیریت بر آن‌ها را در جهت حسن استفاده به عهده دارد). یا در زمره مباحات است و به شرط اولویت، هرکسی می‌تواند آن را تملک کند؟ بدون تردید، فضای موردنظر مصداق هر کدام از موارد فوق محسوب شود؛ مقتضی احکام و قواعد خاصی خواهد بود که در نظام برنامه‌ریزی معماری شهر، تأثیر اساسی خواهد داشت. به‌طور مثال، فروش تراکم ارتفاع مازاد بر حد متعارف ارتفاع، توسط شهرداری‌ها، متوقف بر اثبات انفال بودن فضای مذکور است؛ لکن در صورت تلقی این فضا در زمره مشترکات عمومی، این فضا ملک عموم محسوب می‌شود و حکم اولیه فقهی آن غیرقابل نقل و انتقال و عدم تملک خصوصی خواهد بود.

از جمله مصادیق انفال نام می‌برند (طباطبائی ۱۳۶۹، ج ۹، ۶). صاحب جواهر^{۳۴}، شیخ انصاری^{۳۵} و مرحوم امام^{۳۶} نیز، با نظر مشابه در تعریف انفال آورده‌اند: اموالی است بدون مالک که به مقام و منصب نبوت و امامت تعلق دارد تا در راه مصالح اسلام و مسلمین صرف نمایند؛ این اموال را از آن روی انفال نامیده‌اند که خداوند افزون بر دیگر اموال شخصی پیامبر، از سر تفضل به ایشان عنایت کرده است. در مجموع با توجه بر آنچه گذشت نکات ذیل برداشت می‌شود: الف) معنای لغوی اصلی انفال، اضافه بر اصل و زیاده و فزونی است؛ ب) ملاک اصلی تشخیص انفال، مالک خاص نداشتن است^{۳۷}؛ ج) انفال قابلیت واگذاری به مالکیت خصوصی توسط حکومت اسلامی را دارد.

ب) مشترکات عمومی: اموال و ثروت‌هایی است که متعلق به عموم مردم است، نه شخص و اشخاص؛ مانند اراضی آباد مفتوحه‌العنوه (عبداللهی ۱۳۷۱، ۱۷). این سنخ از اموال ذاتاً قابل تملک خصوصی نیست؛ ولی استفاده از آن با حفظ اصل، برای همگان مجاز است (نجفی‌راد ۱۳۹۷، ۱۱۰). شهید صدر در این مورد می‌فرماید: مشترکات آن دسته از ثروت‌های طبیعی هستند که اسلام به فرد خاصی اجازه تملک آن‌ها را نداده است؛ همگان در استفاده از آن‌ها با حفظ اصل مال به‌عنوان مال مشترک عمومی، مجازند (شهید صدر ۱۴۰۸ ق، ۴۹۵). قانون مدنی ایران نیز، در مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶، مواردی چون راه‌های عمومی، پل‌ها، چاه‌هایی که مورد استفاده عموم است؛ بستر رودخانه‌ها و جنگل‌ها را از مصادیق این اموال برشمرده است. نکته قابل توجه در اینجا این است که دولت نسبت به این نوع از اموال حق مالکانه ندارد؛ بلکه تنها به جهت ولایتی که بر عموم دارد؛ نقش مدیریتی و نظارت بر این اموال را می‌تواند ایفا کند. بدین معنی که دولت نمی‌تواند این اموال را به اشخاص خصوصی انتقال دهد؛ زیرا امکان انتقال به اشخاص با قابل تملک نبودن آن‌ها منافات دارد. همچنین این اموال به سود طلبکاران دولت قابل توقیف نیست؛ زیرا بازداشت مالی که قابل تملک خصوصی نیست کاری بی‌بهره و بی‌نتیجه است؛ افزون بر موارد فوق این اموال شامل مرور زمان نمی‌شود، بدین معنی که اشخاص نمی‌توانند به بهانه





حقوق عموم می‌شود. در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود.

۱. فضای فراتر از حد متعارف، محل تهویه و تابش آفتاب برای عموم است. ۲. تصرف در فضای فراتر از حد متعارف و مرتفع سازی تأثیر سوء بر سلامت روانی عموم دارد (در علم پزشکی اثبات شده افراد در مواجهه با ارتفاع زیاد ابنیه دچار استرس و اضطراب می‌شوند). ۳. تصرف بیش از حد در فضای شهر، موجب عدم ارتباط عموم مردم با طبیعت می‌شود. ۴. ارتفاع بیش از حد متعارف ابنیه شهری، موجب تضییع حق هویت معنوی عموم جامعه می‌شود. ۵. تصرف در فضای فراتر از حد متعارف به وسیله مرتفع سازی، موجب تضییع حق عفاف و محرمیت واحدهای مسکونی هم‌جوار می‌شود (آرامی و حکمت‌نیا ۱۳۹۸).

نکته: در این بخش سعی بر این بود که اثبات شود؛ فضای فراتر از حد متعارف، محاذ بر املاک خصوصی، اموال عمومی و از مصادیق مشترکات است. لذا بنا بر اقتضای احکام مشترکات، استفاده انحصاری و تملک خصوصی آن (فروش تراکم توسط شهرداری)، بنا بر حکم اولیه مجاز نیست. ولی این نکته حائز اهمیت است که در شرایط اضطرار، توسط حکم ثانویه شاید بتوان تصرف در فضای فراتر از حد متعارف ارتفاع، محاذ بر املاک خصوصی را جاری کرد؛ لکن بدین معنی نیست که در درازمدت و به صورت تدریجی در فکر اصلاح این مسئله نباشیم. لذا توصیه می‌شود برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان شهرسازی، در دو سطح مورد بازبینی قرار گیرد: اولاً، برنامه‌هایی برای تغییر گام‌به‌گام در شهرهای موجود تدوین شود، زیرا تصرف در فضای فراتر از متعارف در شهرهای موجود، سال‌هاست انجام می‌گیرد و در درازمدت قابل اصلاح شدن می‌باشد. ثانیاً، در شهرهایی که قرار است تازه تأسیس شود؛ از ابتدا حقوق فضایی مزبور در نظر گرفته شود.

۵. تحلیل مراتب فوق و تبیین مصادیق حقوق فضایی
چنانچه گذشت؛ مردم واجد یک هویت جمعی هستند. هرچند این هویت جمعی متقوم به تک‌تک افراد جامعه است؛ ولی هویتی مستقل و جدای از هویت افراد است؛ و طبعاً مقتضی نیازها و حقوق خاص خود خواهد بود. البته به

آنچه از بررسی موارد فوق و مرور ادبیات مرتبط با موضوع حاصل شد، اولاً فضای مورد نظر از زمره مباحات نیست؛ ثانیاً برخلاف نظریه تبعیت مطلق^{۳۴} و نظریه انفال^{۳۵}، این فضا، از مصادیق مشترکات عمومی و تابع احکام و قواعد این سنخ از اموال محسوب می‌شود.^{۳۶} در ذیل به شواهدی که مؤید این ادعا است اشاره می‌شود.

ضابطه تشخیص مشترکات، از دو طریق الف) قانونی و ب) رجوع به طبیعت ذاتی اشیاء انجام می‌گیرد (کنعانی ۱۳۸۷، ۲۰۱). بدین معنی که یا قانون تعیین مصداق کرده باشد و مالی را در زمره مشترکات محسوب کرده باشد؛ یا از طریق معیار مصرفی و نوع استفاده، طبیعت آن اقتضا می‌کند چیزی به ملکیت خصوصی درنیاید و مورد استفاده عموم و در زمره مشترکات قرار گیرد (کاتوزیان ۱۳۹۲، ۶۹). آنچه واضح است در قوانین رایج کشور تصریحات روشنی در مورد انفال، مشترکات عمومی یا مباحات بودن فضای مذکور وجود ندارد. لذا توجه به طبیعت ذاتی و موارد استفاده این فضا، می‌تواند راهگشا باشد.

مطابق آنچه گذشت؛ شاخصه اصلی تمیز مشترکات از سایر اموال عمومی، مورد استفاده مستقیم عموم مردم بودن است؛ به‌گونه‌ای که وجود آن‌ها به جهت رفع تأمین منافع عمومی ضرورت داشته باشد (رستمی ۱۳۹۷، ۶۱). شهید ثانی در این مورد تصریح می‌کند: مشترکات اجتماع حقوق بسیاری از صاحبان حق در چیز واحد، است (شهید ثانی ۱۴۱۰ ق، ۱۷۰). آنچه در آن تردیدی نیست؛ فضای فراتر از حد متعارف ارتفاع، محاذ بر املاک خصوصی در شهر، عنصری محدود و تمام‌شدنی است که مورد استفاده ضروری عموم مردم است. به‌گونه‌ای که مسدود شدن آن به وسیله ساخت‌وساز خصوصی، موجب اضرار عموم می‌شود. این بدین معنی است که تجمع حقوق عامه در این سنخ از فضا نهفته است و مطابق ماده ۲۵ قانون مدنی که تصریح می‌کند استفاده عموم ظهور در مالکیت عمومی دارد (کاتوزیان ۱۳۹۲، ۶۹)؛ انحصار این فضا مصداق تعدی به حقوق عامه محسوب می‌شود. البته این استفاده در دو حالت اتفاق می‌افتد؛ گاهی خود این فضا مورد استفاده است، مثلاً محل جریان باد است؛ گاهی اشغال آن موجب تضییع



جدول ۲. مصادیق حقوق فضایی مردم عام (مأخذ: نگارندگان)

حقوق فضایی مخاطبین عام		دسته بندی حقوق
مستندات	مصادیق حقوق فضایی	
	داشتن محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا	۱ حق معنویت فضایی
اصل ۳ ق ۱ ماده ۱۷ ح ب؛ ماده ۶ ح ش	تأثیر مختار پژوهش	
	حق هویت تمدنی	۲ حق هویت فضایی
اصل ۹ ق ۱؛ ماده ۹۶ ح ش	حق هویت ملی و میراث فرهنگی	
اصل ۳۶ ق ۱؛ ماده ۹۸ ح ش	حق هویت اجتماعی	
	حق حفظ کرامت انسانی	۳ حق کیفیت فضایی
اصل ۲ ق ۲؛ ماده ۷ ح ب؛ ماده ۲ ح ش	حق داشتن مسکن مناسب	
اصل ۳۱ ق ۱؛ ماده ۱۷ ح ب؛ ماده ۷۳ ح ش	حق رفاه و تأمین اجتماعی	
اصل ۴۳ ق ۱؛ بند ۱؛ ماده ۸۰ ح ش	حق سلامت جسمی	۴ حق سلامت فضایی
اصل ۲۲ ق ۱؛ ماده ۲ ح ب؛ ماده ۱ ح ش	حق سلامت روانی	
ماده ۲ ح ش	حق آکویزیست سالم	
اصل ۵ ق ۱؛ ماده ۱۱۲ ح ب؛ ماده ۱۷ ح ش	حق مالکیت، اشتراک و ارتفاق، نسبت به فضای شهر	۵ حق عدالت فضایی
تأثیر مختار پژوهش	حق دسترسی به منابع و خدمات شهر	
اصل ۳۳؛ ماده ۱۴ ح ب؛ ماده ۶۸ ح ش	حق مشارکت در مدیریت فضای شهری	
اصل ۵۶ ق ۱؛ ماده ۲۴ ح ب؛ ماده ۱۵ ح ش		

همان‌طور که در ستون مستندات در جدول مشخص است بعضی از این حقوق را می‌توان به مواد قانونی رایج مستند کرد؛ ولی برخی از این حقوق در اسناد قانونی مغفول مانده که در جدول با عبارت نظر مختار پژوهش مشخص شده است. امید است این سطور هموارکننده مباحث نظری و به تبع آن اصلاح نظام تقنین در عرصه معماری و شهرسازی باشد.

۶. نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر تلاش شد تا مبتنی بر آموزه‌های اسلام، یک چارچوب نظری برای حقوق فضایی مخاطبین عام (مردم)، نسبت به فضاهای مصنوع شهری، ارائه شود. مقصود از چارچوب نظری در اینجا، مجموعه‌ای به هم پیوسته از مفاهیم و تعاریف است که از سطح مبادی و مبانی تا مرحله اثبات کارآمدی و کاربرد، یک مفهوم را توصیف می‌کند. آنچه از تفحص در منابع و مرور ادبیات مرتبط با موضوع حاصل شد، تبیین چارچوب مزبور، متقوم به توصیف سه رکن اصلی شامل: «چیستی حقوق فضایی مردم»، «چگونگی استنباط حقوق فضایی مردم» و «مصادیق حقوق فضایی مردم» است. آنچه از

این معنی نیست که تک‌تک افرادی که جمع آن‌ها مردم را تشکیل می‌دهند؛ واجد حقوق فردی نیستند؛ بلکه بدین معنی است که همان‌طور که نیازهای فردی با نیازهای جمعی متفاوت است؛ حقوق یک جمع با حقوق فرد نیز متفاوت است. لذا افراد افزون بر حقوق فردی، واجد حقوق جمعی نیز می‌باشند. در بخش‌های پیشین، سه حوزه اسناد حقوقی، منابع شرعی، ماهیت فضای مصنوع شهری و حقوق مترتب بر آن، مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به مراتب مزبور آنچه حاصل می‌شود به صورت ذیل قابل توصیف است: ۲۷:

۱. حقوق مردم به لحاظ حقوق فردی و اجتماعی به پنج دسته عمده شامل «حقوق مدنی»، «حقوق اساسی و اولیه انسان»، «حقوق سیاسی»، «حقوق اقتصادی»، «حقوق فرهنگی» و «حقوق قضائیتی» قابل تقسیم است (خزائی و مرادخانی ۱۳۹۴، ۷۷).

۲. حقوق مردم به لحاظ حقوق بنیادین، با توجه به نوع امتیازاتی که لحاظ می‌گردد؛ به هفت حق شامل «حق کرامت انسان»، «حق حیات»، «حق آزادی»، «حق عدالت و برابری»، «حق مشارکت سیاسی»، «حق حمایت قانونی» و «حق برخورداری از خدمات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی» قابل تقسیم است (مدنیان ۱۳۸۶، ۲۳).

۳. حقوق فضایی مردم (حقوق مردم نسبت به فضای شهر) نیز، به پنج طبقه اصلی شامل «حق معنویت فضایی»، «حق هویت فضایی»، «حق کیفیت فضایی»، «حق سلامت فضایی» و «حق عدالت فضایی» قابل تقسیم است؛ که مواردی فرعی را ذیل این دسته‌های اصلی می‌توان نام برد (جدول ۲).





- استنباط این حقوق با توجه به سه مرحله شامل: «الف» بررسی حقوق انسان در منابع شرعی؛ ب) احصاء و طبقه‌بندی حقوق عام مردم از اسناد حقوقی؛ ج) تجزیه و تحلیل ماهیت فضای مصنوع شهری، به منظور دستیابی به حقوق مترتب بر آن» انجام گرفت.

- مصادیق حقوق فضایی مردم نیز با توجه به تحلیل مراتب فوق به پنج دسته اصلی شامل «حق معنویت فضایی»، «حق هویت فضایی»، «حق کیفیت فضایی»، «حق سلامت فضایی» و «حق عدالت فضایی» تقسیم می‌شوند.

ارکان فوق استنتاج شد، به‌اجمال عبارت است از: - حقوق فضایی، امتیازات و خطوط قرمز تکلیف‌آور و واجد پشتوانه و ضمانتی است که مردم نسبت به فضاهای شهری دارند. منبع عام آن نظام حقوقی اسلام و فهم تخصصی معماری، به‌عنوان منبع خاص، معرفی می‌شود. مبانی و اهداف آن در سه سطح: «ابتدائی» شامل نظم اجتماعی، امنیت و رعایت حقوق دیگران به‌وسیله ترس از تنبیه؛ «سطح میانی» شامل عدل، امنیت معقول، رعایت حقوق دیگران به استناد فضیلت؛ و «سطح کلان» شامل نیل روح به تکامل و تقرب به خداوند متعال ایفای نقش می‌کند.

پی‌نوشت

۱. برای مطالعه بیشتر به مقاله‌های، تحلیل نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی. پوراحمد، حبیبی، جعفری مهرآبادی (۱۳۹۱). ماهنامه علمی پژوهشی باغ نظر، مراجعه شود.
۲. Rights to City
۳. Lefebvre Henry
۴. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به مقاله منشورهای شهری؛ بستر تحقق حق شهرنشینی، عظیمی هاشمی، مژگان، و ندا رضوی‌زاده. ۱۳۹۳.
۵. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به مقاله عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران؛ فرامطالعه چارچوب نظری مقاله‌های علمی موجود. داداش‌پور، هاشم، و نینا الوندی‌پور. ۱۳۹۵.
۶. بالای
۷. این دو سنخ از مخاطبین غیرمستقیم، حداقل از لحاظ منابع فسیلی و اکوزیست متأثر از آثار معماری می‌باشند.
۸. رفتارها در جامعه در سطوح مختلفی قابل طبقه‌بندی است. اگر رفتاری در ساحت فردی انجام شود؛ اصطلاحاً آن را کنش می‌نامند. تعدد کنش‌ها و پیامدهای آن پدیده‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند و از تلاقی پدیده‌های اجتماعی نظام‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. گفتنی است اگرچه رفتارهای فوق ارادی و آگاهانه رخ می‌دهد؛ ولی پیامدها و تأثیرات ناشی از آن وابسته به اراده افراد نیست (پارسانیا ۱۳۹۱، ۵۱-۵۶).
۹. آیه مبارکه ۵۶، ذاریات
۱۰. بقیه موارد در این اسناد، به حقوق دولت‌ها و سازمان‌ها و یا وظایف آن‌ها اشاره دارد.
۱۱. فقهای نظیر علامه حلی در تذکره العلماء، ج ۱۶، ۴۳. شهید اول در الدرر، ج ۳، ۳۴۷. شهید ثانی در مسالک الافهام، ج ۴، ۳۹۸.
۱۲. محمدحسین نائینی، کتاب الصلاة، ج ۲، ۵.
۱۳. روح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۲، ۵۸۹-۵۸۷.
۱۴. سید ابوالقاسم خوئی؛ کتاب الخمس، ج ۱، ۶۰.
۱۵. عبدالعلی سبزواری، مذهب الاحکام، ج ۱۸، ۲۰۰.
۱۶. سید محمود هاشمی، کتاب الخمس و الانفال، ج ۱، ۲۶۰.
۱۷. حقوق افراد در ملک دیگری را حق ارتفاق گویند (ماده ۹۳ قانون مدنی ایران). مردم حداقل به لحاظ مسائل زیست‌محیطی حقوقی در ملکیت‌های خصوصی دارند (در منابع فقهی حقوقی، تصریح شده، اگر استفاده مالک از اموال خود موجب اضرار به غیر شود، ایشان در بهره‌برداری از مال خویش محدود است).
۱۸. در مناطقی که بافت تاریخی باشد یا هم‌جوار بناهای امنیتی و نظامی باشد؛ شرایط خاص اعمال می‌شود.
۱۹. محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۶، ۱۱۶.
۲۰. شیخ مرتضی انصاری، کتاب الخمس، ج ۱، ۳۴۷.



۲۱. روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ۱۱۳.
۲۲. امام خمینی در تحریر الوسیله به آدرس فوق، بر این ملاک تأکید می‌کنند.
۲۳. البته درست است که دولت در این اموال حضور مالکانه دارد و می‌تواند آن را به شخص خصوصی بفروشد؛ ولی منافع آن باید صرف مصالح عموم شود.
۲۴. ماده ۳۸ قانون مدنی و نظر فقهای متقدم.
۲۵. محمدحسن نجفی‌راد، در کتاب مالکیت فضای محاذی زمین، از جمله محققانی که فضای مزبور موردنظر را از مصادیق انفال محسوب می‌کند.
۲۶. اثبات این ادعا در مقاله «معماری شهری و مالکیت فضای فراتر از حد متعارف ارتفاع، ۱۳۹۸ در حقوق اسلامی (۶۳): ۱۱۱-۱۳۶» توسط نگارنده به صورت مبسوط انجام شده است.
۲۷. برای مطالعه بیشتر به رساله دکتری، «حقوق در معماری، مبتنی بر آموزه‌های اسلام»، دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۹۸ که توسط نگارنده اول و به راهنمایی نگارنده دوم انجام گرفته است؛ مراجعه شود.

منابع

۱. آرامی، حمیدرضا، محمود حکمت‌نیا، و عزیز الله فهیمی. ۱۳۹۸. معماری شهری و مالکیت فضای فراتر از حد متعارف ارتفاع. حقوق اسلامی (۶۳): ۱۱۱-۱۳۶.
۲. پارسا، حمید. ۱۳۹۱. جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
۳. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۴. حق و تکلیف در اسلام. قم: اسراء.
۴. حبیبی، محمدحسن، و مجید نجارزاده. ۱۳۸۸. ملاک تمیز انفال و نسبت آن با سایر اموال عمومی. حقوق خصوصی (۱۵): ۵۵-۷۶.
۵. حر عاملی. ۱۱۰۴ ق. مسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۶. حکمت‌نیا، محمود. ۱۳۸۵. مبانی مالکیت فکری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. حکمت‌نیا، محمود. ۱۳۹۰. فلسفه نظام حقوق زن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. خلوصی، محمدحسین، و محمدجواد نوروزی. ۱۳۹۵. بررسی تطبیقی مبنای شهروندی در فلسفه سیاسی، کلاسیک، مدرن و اسلامی. حکومت اسلامی (۳): ۱۱۵-۱۴۲.
۹. خزایی، احمدرضا، و احمد مرادخانی. ۱۳۹۴. زمینه‌های حقوق شهروندی در قرآن. پژوهش‌نامه قرآن و حدیث (۱۷): ۶۷-۹۶.
۱۰. داداش‌پور، هاشم، بهرام علیزاده، و فرامرز رستمی. ۱۳۹۳. گفت‌وگو عدالت فضایی در شهر. تهران: آذرخش.
۱۱. دانش‌پژوه، مصطفی. ۱۳۸۶. تأملی در رابطه حقوق و عدالت با تأکید بر اسلام. معارف اسلام و حقوق (۲۶): ۸۵-۱۲۰.
۱۲. راپاپورت، آموس. ۱۳۸۸. فرهنگ، معماری و طراحی. ترجمه‌ی ماریا برزگر، و مجید یوسف نیاپاشا. تهران: شفلین.
۱۳. رستمی، ولی، و مسعود معصومی. ۱۳۹۷. تأملی بر تمایز اموال عمومی از سایر اموال. اندیشه‌های حقوق عمومی (۱۴): ۷۳-۵۷.
۱۴. رمضان‌نای، علی. ۱۳۹۰. معنای حق در نگاه اندیشمندان مسلمان. معرفت حقوقی ۱ (۲): ۸۹-۱۱۱.
۱۵. سامه، رضا. ۱۳۹۴. معماری و کیفیت زندگی انسان در نظام معرفتی اسلام. قزوین: جهاد دانشگاهی.
۱۶. سلیمانی بهیمانی، عبدالرحیم، و احمد شجاعی. ۱۳۹۲. عبادت و فلسفه خلقت. کلام اسلامی (۸۸): ۹-۳۵.
۱۷. شهید ثانی. ۹۶۶ ق. زین‌الدین بن علی بن احمد، الروضة البهیة فی شرح اللمعة، مکتب الإعلام الاسلامی. ۱۴۱۰ ق. قم.
۱۸. شهید صدر، سید محمدباقر. ۱۴۰۸ ق. اقتصادنا. عراق: دار التعارف.
۱۹. صاحب بن عباد. ۱۴۱۴ ه.ق. المحيط فی اللغة. مصحح محمدحسن آل یاسین. بیروت: عالم الکتب.
۲۰. صالحی مازندرانی، محمد، و جمشید میرزایی. ۱۳۹۴. مبانی مالکیت فضا و قرار در نظام حقوقی اسلام و غرب. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب ۲ (۳): ۹۷-۱۱۸.
۲۱. طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۳۶۹. تفسیر المیزان. بیروت: للمطبوعات.
۲۲. عبداللهی، محمود. ۱۳۷۱. مبانی فقهی اقتصاد. قم: انتشارات اسلامی.
۲۳. عظیمی هاشمی، مژگان، ندا رضوی‌زاده، و عبدالرضا جوان جعفری. ۱۳۹۳. منشورهای شهری؛ بستر تحقق حق شهروندی. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد ۱۶ (۱): ۵۱-۷۶.
۲۴. فهیمی، عزیز الله. ۱۳۹۶. مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



۲۵. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۷۷. *قانون مدنی در نظم حقوق*. تهران: دادگستر.
۲۶. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۳. *مقدمه علم حقوق*.
۲۷. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۵. *فلسفه حقوق*، ج ۱. تهران: انتشار.
۲۸. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۹۲. *مبانی حقوق عمومی*. تهران: میزان.
۲۹. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۹۲. *اموال و مالکیت*. تهران: میزان.
۳۰. کاظمی، مجتبی، و ابوذر مظاهری. ۱۳۹۵. الزامات شکل‌گیری هویت تمدنی در افق مهدوی. *مشرق موعود* (۳۹): ۴۱-۶۶.
۳۱. کرمی، حامد. ۱۳۹۵. راهکارهای حقوقی حمایت از اموال عمومی. *دانش حقوق عمومی* ۵ (۱۶): ۱-۲۲.
۳۲. کرمی، حامد. ۱۳۹۷. *حقوق اداری اموال، اموال عمومی*. شرکت سهامی انتشار، تهران.
۳۳. کنعانی، محمد طاهر. ۱۳۸۷. *تملك اموال عمومی و مباحات*. تهران: میزان.
۳۴. محسنی، محمد سالم. ۱۳۹۶. نقد و بررسی ویژگی‌های حقوق بشر. در *کنگره بین‌المللی علوم اسلامی انسانی*. شماره ششم. ۴۳۱-۴۵۷.
۳۵. مدنیان، غلامرضا. ۱۳۸۶. دین و مبانی حقوق بشر تقابل یا همگرایی، در *همایش بین‌المللی حقوق بشر و دین*، قم.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۰. *نظریه حقوقی اسلام*. قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۳. *حقوق و سیاست در قرآن*. قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی.
۳۸. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۷. *نظام حقوق زن در اسلام*. مجموعه آثار، جلد اول از بخش فقه و حقوق. تهران: صدرا.
۳۹. میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۹۴. مصاحبه با عنوان راه هماهنگ‌سازی علوم بر محور معارف نقلی چیست؟ *نشریه علوم انسانی صدرا*، تاریخ انتشار: یکشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۴، کد مطلب: ۶۴۴.
۴۰. موحد، محمدعلی. ۱۳۸۱. *در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر*. تهران: کارنامه.
۴۱. نبویان، سید محمود. ۱۳۸۶. حق و تکلیف و تلازم آن‌ها. *معرفت فلسفی* ۵ (۲): ۲۱۷-۲۵۳.
۴۲. نبویان، سید محمود. ۱۳۸۸. حق و چهار پرسش بنیادین. قم: مؤسسه امام خمینی.
۴۳. نبویان، سید محمود. ۱۳۹۰. *تاریخچه و مفهوم حق*. قم: مؤسسه امام خمینی.
۴۴. نبویان، سید محمود. ۱۳۹۲. *چیستی حق*. قم: مؤسسه امام خمینی.
۴۵. نجفی‌راد، محمدحسن. ۱۳۹۷. *مالکیت فضای محاذی زمین و احکام بهره‌برداری از آن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۶. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۹. *مبانی مفهوم شهروندی در فرهنگ ایرانی*، در *مجموعه مقالات شهروندی از نظر تا عمل*. شهرداری اصفهان. به کوشش احسان کاظمی، ۱۰۹-۷۴.
۴۷. هاشمی، سید احمدعلی، و ابراهیم تقی‌زاده. ۱۳۹۱. *حقوق اموال و مالکیت*. تهران: مجد.

References

1. Abdollahi, Mahmoud. 1992. *The Jurisprudential Foundations of Economics*. Qom: Islamic Publications.
2. Arami, Hamid, Mahmud Hekmatnia, And Azizolah Fahimi. 2020. Urban Architecture and Ownership of Space beyond the Usual Height. *Quarterly Journal of Islamic Law* (63): 111-136.
3. Azimi Hashemi, Mojgan, Neda Razavizadeh, and Abdolreza Javan Jafari. 2006. Urban Charters; The Basis for the Realization of the Right of Urbanization. *Journal of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad* 16 (1): 51- 76.
4. Dadashpour, Hashem, and Bahram Alizadeh. 2014. *Space Justice Discourse in the City*. Tehran: Azaraksh.
5. Daneshpajoo, Mostafa. 2007. Reflections on the Relationship between Law and Justice with an Emphasis on Islam. *Education of Islam and law* (26): 85-120.
6. Fahimi, Azizullah. 2009. *Civil Liability for Environmental Degradation*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
7. Habibi, Mohammad Hassan, And Majid Najarzadeh. 2009. The Criterion for Distinguishing Anfal and its Relation to other Public Property. *Private Law* (15): 55- 76.
8. Hashemi, Seyed Ahmad Ali, Ebrahim Taghizadeh. 2012. *Property and Property Rights*. Tehran: Majd.
9. Hekmatnia, Mahmoud. 2006. *Fundamentals of Intellectual*. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
10. Hekmatnia, Mahmou. 2011. *Philosophy of the Women's Rights System*. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
11. Horr Ameli. 1104 AH. *Shiite Issues*. Qom: Al-Bayt Institute (AS).
12. Javadi Amoli, Abdullah. 2005. *Right and Duty in Islam*. Qom: Esra.
13. Kanaani, Mohammad Taher. 2008. *Acquisition of Public Property and Permissible*. Tehran: Mizan.
14. Karami, Hamed. 2008. *Administrative Rights of Property, Public Property*. Tehran: Anteshar Co.





15. Karami, Hamed. 2016. Legal Solutions to Protect Public Property. *Journal of Public Law Knowledge* 5 (16): 1-22.
16. Katozian, Nasser. 1998. *Civil Law in Law Justice*. Tehran.
17. Katozian, Nasser. 2004. *Introduction to Law*.
18. Katozian, Nasser. 2006. *Philosophy of Law, Vol. 1*. Tehran: Publications.
19. Katozian, Nasser. 2013. *Fundamentals of Public Law*. Tehran: Mizan.
20. Katozian, Nasser. 2013. *Property and Ownership*. Tehran: Mizan.
21. Kazemi, Mojtaba, and Abuzar Mazaheri. 2016. Requirements for the Formation of a Civilized Identity on the Mahdavi Horizon. *Eastern Promised Quarterly* (39): 41- 66.
22. Khazaei, Ahmad Reza, and Ahmad Moradkhani. 2015. Fundamentals of Citizenship Rights in the Quran. *Quran and Hadith Research Journal* (17): 67-96.
23. Kholusi, Mohammad Hussein, and Mohammad Javad Nowruz. 2016. A comparative Study of the Basis of Citizenship in Political, Classical, Modern and Islamic Philosophy. *Quarterly Journal of Islamic Government* (3): 115- 142.
24. Madanian, Gholamreza. 2007. *Religion and Fundamentals of Human Rights, Confrontation or Convergence, International Conference on Human Rights and Religion, Qom*.
25. Martyr Sani. 966 AH. *Zayn al-Din ibn Ali ibn Ahmad, Al-Rawdha al-Baha'i fi Sharh al-Lama'a, Maktab al-Alam al-Islami*. 1410 AH. Qom.
26. Martyr Sadr, Sayyid Muhammad Baqir. 1408 AH. *Eghtesadna*. Iraq: Dar al-Ta'rif.
27. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 2001. *Islamic Legal Theory*. Qom: Imam Khomeini Research Institute.
28. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 2014. *Law and Politics in the Quran*. Qom: Imam Khomeini Research Institute
29. Mirbagheri, Seyed Mohammad Mehdi. 2015. *Interview: What is the Coordinated Way of Science Building Based on Narrative Education?* Sadra Humanities Magazine. Published: Sunday, 25 February 2016, Content Code: 644.
30. Mohseni, Mohammad Salem. 2017. Critique of the Characteristics of Human Rights. *International Congress of Humanities* (6): 431- 457.
31. Motahhari, Morteza. 2008. The System of Women's Rights in Islam. *Collection of Works, the First Volume of the Section on Jurisprudence and Law*. Tehran: Sadra.
32. Movahed, Mohammad Ali. 2002. *In the Air of Rights and Justice, from Natural Rights to Human Rights*. Tehran: Karnameh.
33. Nabavian, Seyed Mahmoud. 2007. Right and Duty and their Combination. *Philosophical Knowledge* 5 (2): 217- 253.
34. Nabavian, Seyed Mahmoud. 2009. *Right and Four Fundamental Questions*. Qom: Imam Khomeini Institute.
35. Nabavian, Seyed Mahmoud. 2011. *History and Concept of Truth*. Qom: Imam Khomeini Institute.
36. Nabavian, Seyed Mahmoud. 2013. *What is Right*. Qom: Imam Khomeini Institute.
37. Naghizadeh, Mohammad. 2010. *Fundamentals of the Concept of Citizenship in Iranian Culture, in the Collection of Citizenship Articles from Perspective to Practice*. Isfahan Municipality. By Ehsan Kazemi, pp. 74- 109.
38. Najafi Rad, Mohammad Hassan. 2018. *Ownership of Land Enclosure Space and its Exploitation Rules*. Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute.
39. Parsania, Hamid. 2012. *Social Worlds*. Qom: Ketab-e Farda.
40. Ramezani, Ali. 2011. The Meaning of Truth in the Eyes of Muslim Thinkers. *Legal Knowledge* 1(2): 89- 111.
41. Rapaport, Amos. 2009. *Culture, Architecture and Design*. Translated by Maria Barzegar, and Majid Yousef Niapasha. 2009. Tehran: Sheffield.
42. Roštami, Vali, and Massoud Masoumi. 2018. Reflecting on Distinguishing Public Property from other Property. *Public Law Thoughts* (14): 57- 73.
43. Sahib Ibn Ibad. 1414 AH. *The Environment in the Language*. Corrected by Al-Yasin, Mohammad Hassan. Beirut: Private Property.
44. Salehi Mazandarani, Mohammad, and Jamshid Mirzaei. 2007. Fundamentals of Space Ownership and Placement in the Legal System of Islam and the West. *Quarterly Journal of Comparative Research in Islamic and Western Law* 2 (3): 97- 118.
45. Sameh, Reza. 2007. *Architecture and the Quality of Human Life in the Epistemological System of Islam*. Qazvin: Iranian Students Book Agency.
46. Soleimani Behbahani, Abdul Rahim, and Ahmad Shojaei. 2005. Worship and the Philosophy of Creation. *Islamic Theological Research Quarterly* (88): 9- 35.
47. Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein. 1990. *Interpretation of Balance*. Beirut: Lelmatbuat.

